

## چشم‌اندازی بر

# حقوق بشر بین‌المللی از منظر اسلام<sup>۱</sup>

سیدمصطفی میرمحمدی

عضو هیأت علمی دانشگاه مفید

### مقدمه

حقوق بشر مقوله‌ای است که در حوزه‌ی پژوهش‌های اجتماعی به‌طور عام، و پژوهش‌های حقوقی به‌طور خاص، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. واقعیت آن است که محور نظم سیاسی و اجتماعی جوامع گوناگون، انسان است و تاریخ درگیری همیشگی حاکم و محکوم، و فرمانده و فرمانبر را ثبت کرده است. حاکم و فرمانده سمبل قدرت و سلطه، و محکوم و فرمانبر نماد آزادی و رهایی است. می‌توان این گفته را تأیید نمود که «حقوق عمومی، شناسنامه‌ی چالش بین قدرت و آزادی است». انسان برای آن‌که حقوقی در برابر حاکم داشته باشد، هزینه‌های سنگینی پرداخته و خون‌های فراوانی در این راه فدا کرده است. در قوانین اساسی بسیاری از کشورها حقوق و آزادی‌های عمومی بشر انعکاس یافته است، ولی در بسیاری از کشورها، از جمله اغلب کشورهای جهان سوم، فاقد ضمانت اجرای داخلی است و فقط برخی از کشورهای اروپای غربی در این باره اهتمام خاصی نشان داده‌اند. حقوق و آزادی‌های اساسی انعکاس یافته در قوانین

۱. مؤلف این کتاب دکتر جعفر عبدالسلام از حقوق‌دانان بین‌المللی صاحب نام عرب است. وی نایب رییس دانشگاه الازهر و دبیر کل اتحادیه‌ی دانشگاه‌های جهان اسلام است.

اساسی کشورها، در عمل آهنگ‌کندی را طی می‌کند و تحقق آن جز با رضایت حاکمان مقدور نخواهد بود. حقوق بشر در بسیاری از کشورها مورد تعرض قرار می‌گیرد. این تعرض‌ها آن‌گاه شدت می‌گیرد که محکومان و فرمانبران برای نیل به حقوق خود با مقاومت حاکمان و فرماندهان روبه‌رو گردند. این جاست که باید خود را برای خوردن چوب نافرمانی آماده کنند.

در بسیاری از مناطق جهان شاهد سرکوب مخالفان هستیم. چگونگی رفتار با افراد در قلمرو یک کشور را قوانین داخلی به‌ویژه قانون اساسی تعیین می‌کند؛ بر این اساس، رابطه‌ی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل همواره یک موضوع جنجالی و پرتنش است؛ زیرا جامعه‌ی بین‌المللی جامعه‌ای مبتنی بر اصل تساوی و برابری حاکمیت دولت‌هاست، در نتیجه، هیچ سازمان بین‌المللی یا دولتی حق مداخله در امور داخلی دیگر دول را نخواهد داشت؛ اما تحولات چندساله‌ی اخیر، مسائل حقوق بشر را به صورت یکی از محدودیت‌های قدرت داخلی مطرح کرده است. کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی متعددی وجود دارد که به مؤسسات بین‌المللی اجازه‌ی مداخله می‌دهد. بدین طریق موضوع حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، اهمیت اساسی در حقوق بین‌الملل نوین پیدا کرده است.

«حقوق بشر» در حقوق بین‌الملل از دو زاویه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد: «حقوق بشر در زمان صلح» و «حقوق بشر در زمان جنگ و مخاصمات مسلحانه». حقوق بشر در زمان صلح همان است که در ادبیات حقوقی فارسی از آن به «حقوق بشر»<sup>۱</sup> و در انگلیسی به «Human rights» تعبیر می‌شود. اما «حقوق بشر در زمان جنگ» همان «Humanitarian law» است که حقوق‌دانان فارسی‌زبان عنوان «حقوق بشر دوستانه»<sup>۲</sup> را برای ترجمه‌ی آن برگزیده‌اند.

مؤلف، این کتاب را به بررسی موضوع «حقوق بشر» اختصاص داده و بخش «حقوق بشر دوستانه» را به کتابی دیگر موکول کرده است. وی خلاف ادبیات حقوقی رایج تازی، عنوان «القانون الدولي لحقوق الانسان» را به جای «حقوق الانسان» برای بحث از حقوق بشر انتخاب نموده است.

۱. القانون الدولي لحقوق الانسان.

۲. القانون الدولي الانساني.

## ساختار کتاب

کتاب در پنج بخش تنظیم شده است که در ذیل، نگاهی به محتوای هر بخش می‌افکنیم.

### بخش اول: تحول تاریخی بین‌المللی شدن حقوق بشر

حقوق بین‌الملل سنتی بر محور دولت‌ها قرار داشت و این دولت‌ها بودند که تنها موضوع حقوق بین‌الملل به شمار می‌آمدند. بعدها سازمان‌های بین‌المللی به عنوان موضوع حقوق بین‌الملل مطرح شدند، ولی در مقابل اعطای شخصیت حقوقی به سازمان‌های بین‌المللی مقاومت زیادی صورت گرفت. اما اکنون فرد نیز در حقوق بین‌الملل مجال طرح یافته و جامعه‌ی بین‌المللی به نفع فرد و برای کمک به آزادی‌های نقض شده‌ی وی مداخله می‌کند. نظریه‌ی حقوق و آزادی‌های عمومی نظریه‌ای استوار و برخوردار از یک اجماع جهانی است. از نظرگاه تاریخی، تحول حمایت از حقوق فرد در سه فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارت‌اند از:

- شمول بین‌المللی حقوق بشر پیش از منشور ملل متحد؛
- شمول بین‌المللی حقوق بشر در منشور ملل متحد و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر؛
- حقوق بشر در اسناد بین‌المللی منضم به دو میثاق و اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر.

### حقوق بشر پیش از منشور ملل متحد:

اهتمام بین‌المللی به حقوق بشر مسئله‌ای نسبتاً جدید است. فرد تا چندی پیش در حقوق بین‌الملل طرف حق و تکلیف بین‌المللی قرار نمی‌گرفت. هرگونه رفتار دولت‌ها نسبت به افراد یک مسئله‌ی داخلی تلقی می‌گردید و دولت‌های دیگر و سازمان‌های بین‌المللی حق مداخله در این امور را نداشتند؛ ولی از آغاز این قرن، حقوق دانان بین‌المللی نه تنها برای فرد شخصیت بین‌المللی قایل شده، بلکه او را محور و هدف همه‌ی نظام‌ها دانسته‌اند.

سراغاز حمایت از حقوق فرد را باید در معاهدات حمایت از اقلیت‌ها دانست که پیش از جنگ اول جهانی میان دولت‌های اروپایی و برخی از امپراطوری‌های قدیم، به‌ویژه امپراطوری عثمانی منعقد شد. در این معاهدات بر حمایت از اقلیت‌های دینی و نژادی و زبانی و رفتار عادلانه و برابر با آنان تأکید شد. پس از این معاهدات، می‌توان

معاهداتی که تجارت برده و دزدی دریایی و مواد مخدر را در ردیف جرایم بین‌المللی منظور کرده‌اند در زمره‌ی معاهدات حمایت از فرد در حقوق بین‌الملل به شمار آورد. جامعه‌ی بین‌المللی پس از جنگ اول جهانی گام‌هایی در مسیر دفاع از حقوق فرد برداشت. عهدنامه‌های «ورسای» تمهیدات تأسیس دو سازمان بین‌المللی، یعنی جامعه‌ی ملل و سازمان بین‌المللی کار را فراهم ساخت و اساسنامه‌های این دو سازمان به حمایت و اعطای شخصیت بین‌المللی به افراد پرداختند. تعیین ساعات کار و تنظیم کار زنان و کودکان از جمله حقوق فردی‌ای هستند که سازمان بین‌المللی کار عهده‌دار حمایت و تعیین آن از طریق دولت‌های عضو است. این سازمان تنها سازمان بین‌المللی دولتی است که مجالی برای حضور افراد در سطح بین‌المللی فراهم ساخته است. در این سازمان نمایندگان کارگران و کارفرمایان نیز، در کنار نمایندگان دولت حضور دارند.

### حقوق بشر در چارچوب منشور ملل متحد و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

منشور ملل متحد فصل نوبنی در به رسمیت شناختن حقوق اقتصادی و اجتماعی برای فرد گشوده است. در این دوره به دلیل ستم‌های فراوانی که بر بشر رفته است کشورها، به ویژه کشورهای جهان سوم، تلاش‌های فراوانی در بهبودی وضعیت حقوق بشر مبذول داشتند. در این دوره است که سیطره‌ی کامل اروپا بر جهان پایان می‌پذیرد و کلیه‌ی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در آینده‌ی همکاری‌های بین‌المللی صاحب نقش می‌شوند. این همکاری در حد گسترده‌ای به سمت حمایت و احترام به حقوق مدنی و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی انسان‌ها متمرکز می‌شود؛ از این رو می‌بینیم که بسیاری از اسناد بین‌المللی بر تحقق رفاه بشر، به عنوان یکی از اهداف بزرگ فعالیت‌های بین‌المللی پای می‌فشارند.

منشور در مقدمه‌ی خود یکی از اهداف ملل متحد را «تأکید دوباره بر ایمان به حقوق اساسی بشر و کرامت و شخصیت وی و برابری حقوق زن و مرد» اعلام نموده و در ماده‌ی (۱) بند سوم بر حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تمایز نژادی، جنسی، زبانی و مذهبی تأکید کرده است. اهتمام به این موضوع در منشور تا بدانجا رفته است که فصل

نهم منشور به همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی اختصاص یافت و دول عضو سازمان نیز متعهد شدند برای نیل به مقاصد فوق - احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی وی - با سازمان به‌طور فردی یا جمعی همکاری کنند (ماده ۵۵ منشور). حقوق‌دانان بین‌المللی در ارزش حقوقی این تعهد منازعه دارند؛ برخی آن را فاقد الزام حقوقی دانسته، در حد بیانیه‌ی اعلان اهداف تنزل می‌دهند، ولی بیانگر وجود یک نوع حقوق منعطف و نرم «Soft law» خواهد بود.

از سویی دیگر، چون تعیین مصادیق و مقصود از حقوق بشر در منشور ممکن نبود، در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۳۴۸ مجمع عمومی، به تفصیل بدین موضوع پرداخته شد. این اعلامیه نمودار و فهرستی از انواع حقوق سیاسی و مدنی و اجتماعی انسان به شمار می‌آید. در ارزش حقوقی این اعلامیه، به دلیل ماهیت توصیه‌ای آن، تردید شده است، ولی عملکرد بین‌المللی بر ارزش ویژه‌ی حقوقی این اعلامیه قرار گرفته است؛ زیرا از یک سو مفهوم اعلامیه در قوانین اساسی بسیاری از کشورها گنجانده شده و از سوی دیگر، اعلامیه خود نوعی تفسیر رسمی از منشور ملل متحد شمرده شده و به تدریج بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی به حساب آمده است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶، سه سند مهم بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق بشر به تصویب رسانده است که عبارت‌اند از: «میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، «میثاق حقوق مدنی و سیاسی» و «پروتکل اختیاری ملحق به حقوق مدنی و سیاسی» که مربوط به شکایت افراد در مؤسسات بین‌المللی در صورت تعرض به حقوق آنان از سوی دولت متبوع است. به اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و سه سند مزبور، اسناد بین‌المللی حقوق بشر می‌گویند.

هدف اساسی دو میثاق، تکمیل موارد پیش‌بینی نشده در اعلامیه و هم‌چنین متعهد ساختن دولت‌ها به حمایت بین‌المللی از حقوق بشر است.

حق تعیین سرنوشت، حق کار، حق تشکیل سندیکاها، حق اعتصاب (براساس قوانین دولت متبوع)، حق تأمین اجتماعی، حق تندرستی و حقوق مربوط به تعلیم و تربیت و فرهنگ، از جمله عمده‌ترین حقوقی هستند که در میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته‌اند. هم‌چنین حق زندگی، حق رفت و آمد، آزادی اندیشه و عقیده، آزادی بیان، آزادی تشکیل احزاب و اجتماعات مسالمت‌آمیز، حق مشارکت در حیات

عمومی و سیاسی، هم‌چون حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، از جمله حقوقی هستند که در میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده‌اند.

### حقوق بشر پس از منشور و اسناد بین‌المللی حقوق بشر

پس از تصویب دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و اجتماعی به سال ۱۹۶۶، باید دیگر اسناد حقوق بشری را به واقع تفصیل و توضیح حقوق شناخته شده در این دو سند دانست. این دو سند را می‌توان قانون اساسی حقوق و آزادی‌های عمومی به شمار آورد. اما توسعه و تحول تکنولوژی و نیز فعالیت‌های مجامع و بلوک‌های منطقه‌ای فصل نوینی در باب حقوق بشر گشوده و حقوق تازه‌ای را شناسایی کرده‌اند؛ از جمله: حق توسعه، حق صلح و حق دسترسی به سهم عادلانه از ثروت‌های دریاها. هم‌چنین توسعه‌ی صنعت و تکنولوژی، محیط زیست بشر را تهدید و پایه‌های زندگی سالم و طبیعی بشر بر روی کره‌ی زمین را دست‌خوش بحران‌هایی کرده که به نوبه‌ی خود، حتی به نام «حق زندگی در محیط زیست مناسب» را مطرح ساخته است.

### بخش دوم: حقوق بین‌الملل برای حقوق بشر

در این بخش نویسنده در پی یافتن پاسخ برای سه سؤال مهم به شرح ذیل است:

- ۱- طبیعی است یکی از آثار حقوقی مترتب بر شمول بین‌المللی حقوق بشر، تشکیل شاخه‌ای در حقوق بین‌الملل برای بررسی این موضوع باشد، ولی این شاخه را چه بنامیم؟ «حقوق بین‌الملل برای حقوق بشر» یا «حقوق بشر دوستانه»؟
- ۲- آیا منابع حقوق بشر همان منابع حقوق بین‌الملل عمومی است، یا منابع دیگری نیز دارد؟ نقش این منابع در تشکیل شاخه‌ی «حقوق بشر» چیست؟
- ۳- آیا چنین حمایت‌هایی از فرد در حقوق بین‌الملل موجب می‌شود که او یکی از اشخاص حقوق بین‌الملل و یک شخصیت حقوقی بین‌المللی به شمار آید؟ چنانچه پاسخ مثبت است چه شرایطی برای دارا شدن شخصیت حقوقی بین‌المللی لازم است؟

### بخش سوم: تقسیم حقوق بشر

معمولاً در مباحث حقوق اساسی حقوق بشر را به سه دسته‌ی حقوق سیاسی، حقوق

عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می‌کنند. در تقسیم سنتی، حقوق بشر به حقوق مدنی - سیاسی و حقوق اقتصادی - اجتماعی تقسیم شده است؛ اما این تقسیم پاسخ‌گوی حقوق و نیازهای کنونی بشر که زاییده‌ی توسعه و تحول جامعه‌ی بین‌المللی است نمی‌باشد؛ به همین دلیل در حقوق فرانسه سه نسل برای حقوق بشر در نظر گرفته می‌شود که عبارت‌اند از:

نسل اول: حقوق مدنی، سیاسی؛

نسل دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛

نسل سوم: حقوق همبستگی؛ شامل: حق توسعه، حق بر محیط زیست، حق صلح و امنیت، حق در میراث مشترک بشریت.

بی‌تردید، نسل سوم حقوق بشر حاصل تلاش‌ها و مبارزات مستمر حقوقی و سیاسی کشورهای جهان سوم است که جامعه‌ی بین‌المللی را به شناسایی این حقوق واداشته است. عمده‌ی مصادیق حقوق نسل سوم در میثاق حقوق بشر افریقایی انعکاس یافته و یونسکو نیز تلاش‌های متعددی در این باره به عمل آورده است. از نسل سوم حقوق بشر به «حقوق ملت‌ها» نیز تعبیر شده است.

در ادامه به برخی از مهم‌ترین انواع حقوق بشر خواهیم پرداخت:

**حق زندگی:** این حق مهم‌ترین حق فردی انسانی است که باید از حمایت‌های داخلی و بین‌المللی برخوردار باشد. در ماده‌ی سوم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر چنین آمده است:

هر انسانی از حق زندگی، آزادی و امنیت فردی برخوردار است.

حق زندگی در حقوق داخلی کشورها، به‌ویژه در حقوق جزا و نیز در بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته است. دین اسلام نیز این حق را مورد حمایت ویژه قرار داده و تعرض به حق حیات دیگری را به منزله‌ی تعرض به حق حیات انسانی دانسته است (رک: مائده، آیه ۳۲).

جامعه‌ی بین‌المللی شاهد تعرضاتی به حق زندگی به طور جمعی بوده است. این جرایم بیشتر در جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه به وقوع پیوسته که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: نسل‌کشی (Jenocide)، تروریسم و دزدی دریایی.

با آنکه اجماع جامعه بین‌المللی بر مبارزه با جرایم بین‌المللی علیه حق زندگی است، در عمل قرن بیستم با رفتار تبعیض‌آمیز برخی از دولت‌ها و ضعف عملکرد سازمان ملل در این باره پایان گرفت. کشورهای پیروز جنگ دوم جهانی دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو را تشکیل دادند و برخی از سران نازیسم را به جرم نسل‌کشی محاکمه کردند، ولی تمام تلاش‌ها برای محاکمه‌ی جنایتکاران کشتارگاه‌های «صبرا و شتیلا» و «قانا» در لبنان به سال ۱۹۹۶ بی‌نتیجه مانده است.

پدیده‌ی تروریسم در سال‌های اخیر یکی دیگر از انواع جرایم بین‌المللی است که در آن حق زندگی به طور جمعی مورد تعرض قرار گرفته است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۰ م کمیسیونی را برای بحث درباره‌ی تروریسم تشکیل داد. در کمیسیون در خصوص مصادیق ترور اختلاف‌نظر فراوانی وجود داشت. در استفاده از زور علیه وسایط نقلیه‌ی عمومی، نظیر هواپیما، کشتی، قطار و اتوبوس، اختلاف چندانی بروز نکرد، ولی در پدیده‌های دیگر اتفاق وجود نداشت؛ به طور مثال تمایز بین انقلابیون و مبارزان برای استقلال و آزادی وطن با تروریسم روشن نبود. گاه ضد انقلاب که دست به عملیات تروریستی می‌زند، با حمایت قدرت‌های بیگانه در نقش انقلابی ظاهر می‌شود. با تتبع در پژوهش‌های بین‌المللی، به‌ویژه از ناحیه‌ی حقوقی، می‌توان به وجود قصور واضح در بررسی این پدیده پی برد. ما تألیف و اثر حقوقی بین‌المللی قابل توجهی در بررسی پدیده‌ی تروریسم و تعریف حقوقی روشنی از آن نمی‌یابیم و بیشتر نوشته‌های موجود بر محور استرداد مجرمان مبتنی هستند.

تروریسم اهداف گوناگونی دارد. هرچند فعالیت‌های تروریستی جام غضب خود را بیشتر بر هواپیماها ریخته است؛ ربودن دیپلمات‌ها و گروگان‌گرفتن آنان، بمب‌گذاری در اتومبیل‌ها و انفجار در وسایط نقلیه‌ی عمومی از انواع دیگر عملیات تروریستی است که در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ رایج شده است. بدبختانه، بعضی از دولت‌ها عملیات تروریستی را ترویج و از مرتکبان آن حمایت می‌کنند. این حقیقتی است که در هیچ‌یک از مراجع قضایی و سیاسی بین‌المللی به طور رسمی ثبت نشده است و مواردی هم‌چون جعل گذرنامه، وجود سلاح‌های تخریبی، فراهم ساختن زمینه‌ی فرار و پناه دادن به تروریست‌ها را می‌توان شاهدی بر دخالت برخی دولت‌ها در عملیات تروریستی دانست. مواردی نیز وجود دارد که دولت‌ها خود اقدام به عملیات تروریستی می‌کنند که

در این میان، دولت اسرائیل با حمایت ایالات متحده گوی سبقت را از دیگران ربوده است. جامعه‌ی بین‌المللی نیازمند مبارزه با پدیده‌ی تروریسم است و در این مبارزه باید زوایای گوناگون بروز این پدیده مورد بررسی قرار گیرد. گسترش این پدیده معلول تفاوت فاحش فقیر و غنی در سطح بین‌المللی و نیز وجود ستم‌های فراوان بر بخشی از جامعه‌ی بین‌المللی است. این بخش برای نشان دادن وضعیت خود ناگزیر به استفاده از خشونت شده است. چاره‌جویی مسالمت‌آمیز بین‌المللی با پدیده‌ی تروریسم باید به یافتن ریشه‌های این مشکل و تغییر اساسی در وضعیت کنونی بین‌المللی متمرکز گردد؛ نیز لازم است با مجازات‌های کیفری از ستم‌دیده حمایت نموده، برای نیل به آزادی‌ها و رفع سلطه‌ی استعماری، که خود زمینه‌ساز عملیات تروریستی است، تلاش نمود.

کشورهای غربی، آن دسته از تلاش‌هایی را که در کشورهای اسلامی در برابر فشار غرب و برای حمایت از دین و سنت صورت می‌گیرد، عملیات تروریستی نامیده‌اند، ولی این اعمال در واقع دفاع از خود و مقاومت در برابر اعمال زورگویانه‌ی جوامع غربی و ایده و افکار تحمیلی آنان است.

**آزادی بیان:** مطابق ماده‌ی ۱۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد.

حقوق‌دانان درباره‌ی حدود آزادی بیان بردو دسته‌اند: عده‌ای (بیشتر حقوق‌دانان غرب) بر این ایده‌اند که آزادی بیان، مطلق و بدون قید و شرط است. به نظر آنان ضررهای ناشی از محدودیت آزادی بیان، به مراتب بیشتر از مفسده‌ای است که در آزادی کامل بیان وجود دارد. در برابر، برخی معتقدند آزادی بیان باید مشروط و مقید باشد و آزادی مطلق بیان به تخریب جوامع و فرهنگ‌ها خواهد انجامید. دولت‌های قدرتمند، به‌ویژه ایالات متحده‌ی امریکا و دول اروپای غربی، بر آزادی مطلق بیان و اندیشه اصرار دارند. این دولت‌ها با برخورداری از ابزارهای نوین ارتباطی و بالا بودن سطح اندیشه‌ی اتباع خود، هراسی از این آزادی ندارند، ولی از نگاه منفعت‌طلبانه و سوداگرانه‌ی این تئوری نباید غافل ماند. ممکن است آزادی بیان در رسانه‌های گروهی و ابزارهای نوین تبلیغاتی، مانند مجلات و ابزارهای صوتی و تصویری، که اکنون حریم مرزها را درنوردیده است، برای دول غربی، با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی و

سطح آگاهی‌های عمومی، مخاطره‌آمیز نباشد، اما در بخشی دیگر، از این اطلاق برای تحریک مردم علیه نظام‌های سیاسی و تخریب اخلاق سوءاستفاده می‌شود. از سوی دیگر آزادی بیان به نحو مطلق حتی به نفع دول پیشرفته نیز نخواهد بود و ماده‌ی ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز، با آن‌که آزادی بیان را به رسمیت شناخته، ولی به دولت‌ها اجازه داده است از طریق قانونی آزادی رسانه‌های گروهی را محدود کنند.

نویسنده‌ی کتاب معتقد است هر دو دیدگاه مزبور طریق افراط در پیش گرفته‌اند. او معتقد است ابزارهای نوین تبلیغاتی یکی از راه‌های دستیابی به تعامل و همکاری میان ملت‌هاست. برای آن‌که این ابزارها نقش بین‌المللی و داخلی خود را به بهترین وجه ایفا کنند، باید آنها را از هر گونه قید و بند غیرضروری رها ساخت.

نویسنده در ادامه به مستندات آزادی بیان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و تلاش‌های سازمان ملل متحد و یونسکو در این باره و حمایت از حق تبلیغات می‌پردازد.

### حقوق جمعی و حقوق همبستگی

«حقوق جمعی» حقوقی است که برای مصلحت جمعی ملت در نظر گرفته می‌شود و کلیه‌ی افراد یا اکثریت قابل توجهی در آن سهیم‌اند. مهم‌ترین نمونه‌های این حقوق «حق ملت‌ها در ارتباط با یکدیگر» و «حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت» است. «حقوق همبستگی» نیز به نوبه‌ی خود حقوق جمعی است؛ زیرا برای مجموعه‌ی افراد در نظر گرفته می‌شود. تفاوت این حقوق با حقوق جمعی در این است که حقوق همبستگی در تحقق خود همکاری بین دولت‌ها، ملت‌ها و جامعه‌ی بین‌المللی را با تمام نهادهای آن می‌طلبد. «حق ملت‌ها در توسعه» و «حق ملت‌ها در محیط زیست مناسب» در شمار حقوق همبستگی است.

**حق ارتباط بین ملت‌ها:** روابط بین ملت‌ها واقعیتهای انکارناپذیر است. این روابط چه در چارچوب روابط دولت‌ها شکل گیرد یا روابط ملت‌ها، این سؤال را مطرح می‌سازد که «ارتباط دولت‌ها با یکدیگر حقی است که حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد یا سیاست‌هایی است که دولت‌ها در روابط با یکدیگر به دنبال آن هستند و حقوق بین‌الملل در این باره

فقط نقش تنظیم کننده دارد؟» این بحث در حقوق دیپلماتیک و کنسولی، حقوق دریاها و حقوق هوا و فضا نیز مجال طرح می‌یابد. حقوق بین‌الملل، برقراری روابط دیپلماتیک بین دولت‌ها را یک حق دانسته و حق ارتباط را از طریق دریا و هوا و در مناطقی که تحت حاکمیت هیچ دولتی نیست شناسایی کرده است. تأسیس حق «عبور بی ضرر» در دریاها و هوای کشورها و نیز استفاده‌ی صلح‌جویانه از ماورای جو و فضا گام‌هایی است که در شناسایی حق ارتباط بین ملت‌ها برداشته شده است.

حق ارتباط حق بنیادینی است که جامعه‌ی بین‌المللی برای افراد و دولت‌ها در نظر گرفته است؛ چرا که یکی از حقوق انسان آن است که «بشنود و بشنوند و بداند و بفهماند» حق شنیدن و شنواندن و حق تعلّم و تعلیم از حقوقی هستند که علاوه بر حق ارتباط، حق تبلیغات را نیز توجیه و شناسایی می‌کنند. گسترش حق تبلیغات اکنون تا بدانجا رفته است که امواج تلویزیونی توسط ماهواره‌ها در قلمرو کشورها به آسانی دریافت می‌شود و حاکمیت کشورها نمی‌تواند از ورود این امواج جلوگیری کند؛ از سوی دیگر هم نمی‌توان پنجره‌هایی را که به سمت جهان گشوده می‌شود برای همیشه بست، بلکه باید این آزادی را از طریق معاهدات در دایره‌ی نظم حقوقی بین‌المللی گشود. استفاده از ابزارهای نوین تبلیغاتی حق همه‌ی ملت‌هاست و کشورهای فقیر و غنی هر دو باید در آن سهیم باشند. البته در کنار نقش مثبت و سازنده‌ی ابزارهای نوین تبلیغاتی، از قبیل پخش اخبار و اطلاعات، نباید از آثار تخریبی و ضد اخلاقی آنها که اصول و ارزش‌های ملت‌ها را هدف گرفته‌اند، غافل ماند. بر جامعه‌ی بین‌المللی است که در این باره بیندیشد و به پالایش و چاره‌اندیشی پردازد. این چاره‌جویی نیازمند دو رویکرد مهم است: همکاری بین‌المللی در زمینه‌ی ارتباطات و شناسایی حق دولت‌ها در دفاع از خود در برابر اخبار و اطلاعاتی که علیه آنها در سطح بین‌المللی منتشر می‌شود. چنین حقی به «حق تصحیح» شهرت یافته است.

نویسنده جوانب این دو مطلب را به تفصیل مورد بحث قرار داده است.

**حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت:** این حق یکی از اصول چهارده‌گانه‌ی «ویلسون» رییس‌جمهور وقت ایالات متحده است که پس از جنگ اول جهانی اعلام شده است. از جهت عملی این اصل به صورت یک اصل سیاسی جلوه کرد و دولت‌های استعماری از

تن دادن به آن اصل به عنوان یک اصل حقوقی خودداری کردند. خوشبختانه پس از جنگ دوم جهانی زمینه‌های بروز این اصل به صورت یک قاعده‌ی الزام‌آور حقوقی فراهم گردید و در منشور ملل متحد و معاهدات گوناگون منعکس شد؛ و نخستین حقی است که در هر دو میثاق حقوق بشر وارد شده و اعلامیه‌های «عدم مداخله در امور داخلی کشورها و حمایت از استقلال آنها»، «تعریف تجاوز»، «نظم نوین اقتصادی بین‌المللی» و «حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها» صادره از مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز، بر این اصل تصریح کرده است.

«حق تعیین سرنوشت» حق ملت‌ها در استقلال و اداره‌ی کشور بدون مداخله‌ی خارجی و حق آنان در پیمودن مسیر رشد و توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در سایه‌ی این حق بسیاری از کشورها از یوغ استعمار رها شدند و به استقلال رسیدند، ولی اجرای این حق در تعیین سرنوشت سرزمین و مردم فلسطین همواره با مداخله‌ی قدرت‌های استعماری ناکام مانده است.

**حق ملت‌ها در محیط زیست مناسب:** حق ملت‌ها برای زندگی در شرایط بهداشتی و محیط زیست مناسب، از جمله حقوقی است که در پیمان‌ها و معاهدات بین‌المللی آمده است. میثاق افریقایی حقوق بشر می‌گوید:

کلیه‌ی ملت‌ها حق دارند برای توسعه‌ی خود، در محیط مناسب و رضایت‌بخش زندگی کنند.

واقعیت آن است که این حق به یکی از مشکلات عمده‌ی زندگی کنونی بشر می‌پردازد. رشد فزاینده‌ی جمعیت در کره‌ی زمین، انقلاب بزرگ در صنعت ارتباطات، توسعه‌ی تجارت بین‌المللی، انقلاب صنعتی و تکنولوژیکی با پیامد آلودگی آب‌ها، هوا و زمین، وجود اسلحه‌های تخریب جمعی و تهدیدکننده‌ی زندگی بشری، عواملی هستند که محیط زیست بهداشتی و حیاتی بشر را تهدید می‌کنند. هر انسانی حق دارد که از هوای خوب استنشاق کند، آب سالم بنوشد، لباس مناسب بترن کند، خوراک سالم بخورد و در مسکن شایسته سکنی گزیند. این حقوق در «حق محیط زیست» مجال طرح و دفاع می‌یابد.

سوءاستفاده‌ی انسان از محیط زیست، از بین بردن ثروت‌های کمیاب (مانند برخی از

گونه‌های حیوانات دریایی، آلوده ساختن هوا با سوخت اتومبیل‌ها و دود کارخانجات، که باعث از بین رفتن لایه‌ی اوزون - لایه‌ای که زمین را از ورود اشعه‌های مضر خورشید حفاظت می‌کند - می‌شود) مواردی هستند که خبر از فاجعه در محیط زیست بشر می‌دهند. با این وضعیت، باید با شتاب در این باره چاره‌اندیشی کرد. بی‌تردید مداخله‌ی حقوقی تأمین و حمایت از محیط زیست، در جلوگیری از ادامه‌ی فعالیت‌های مضر از طریق قانون است و این‌جاست که حقوق بین‌الملل محیط زیست (International environmental law) به وجود آمده است.

**حق ملت‌ها در توسعه:** در مقدمه‌ی منشور ملل متحد، دولت‌ها تعهد خود را بر پیشرفت اجتماعی و تأمین زندگی در جوی آزاد و رعایت حقوق و آزادی‌های بشر، بدون هرگونه تبعیض از لحاظ نژاد، زبان و مذهب اعلام داشتند. نظیر این تعهد در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی نیز آمده است.

در این میان، اعلامیه‌ی «کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر ۱۹۶۸ تهران» (معروف به اعلامیه‌ی تهران) از مهم‌ترین مدارکی است که بر اهمیت حق توسعه اشاره دارد. اعلامیه بر این نکته تأکید دارد که پیشرفت حقوق بشر، متوقف بر وجود سیاست‌های ملی و بین‌المللی مسالمت‌آمیز و پویا در جهت توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی است. مجمع عمومی ملل متحد اسناد متعددی در خصوص حق توسعه دارد. مجمع در اعلامیه‌ی ۱۹۸۶ خود تصریح می‌کند که حق توسعه یکی از حقوق تغییرناپذیری بشری است و براساس این حق هر انسانی و هر ملتی حق دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و سیاسی را دارد.

«حق توسعه» مبحث تازه‌ای را در حقوق بین‌الملل، با نام «حقوق بین‌الملل توسعه» گشوده است. این بحث تا چندی قبل اصلاً مطرح نبود؛ زیرا حقوق بین‌الملل که حاصل تجربه‌ی حکمرانی دول اروپایی بر جهان و استعمار و غارت مواد اولیه‌ی کشورهای جهان سوم در قالب تجارت آزاد بود، مجالی برای حق توسعه فراهم نمی‌آورد؛ اما اکنون این حق به دلایلی چند در قلمرو بررسی‌های حقوق بین‌الملل قرار گرفته است. از سویی توسعه‌ی اقتصادی نیازمند سرمایه و استفاده از کارشناسان بیگانه است که مشکلات بین‌المللی خاص خود را دارد و دولت‌ها را ناگزیر به توسل به دیگر دول و سازمان‌های

بین‌المللی می‌کند. هرگونه فعالیت بین‌المللی نیز نیازمند قواعد و مبانی خاص خود خواهد بود که بررسی آن در حوزه‌ی مأموریت حقوق بین‌الملل است. از سوی دیگر، ساختار حقوق بین‌الملل و روش بحث در آن نیز در حال دگرگونی است. حقوق بین‌الملل در کنار وظیفه‌ی سنتی خود در «حقوق بین‌الملل هم‌زیستی»، که به تنظیم قواعد هم‌زیستی مسالمت‌آمیز می‌پرداخت، اکنون با «حقوق بین‌الملل همکاری» مواجه است. این آغاز مرحله‌ی نوینی در حقوق بین‌الملل است که در آن به شناسایی شرایط اقتصادی و اجتماعی با دوام پرداخته می‌شود. حق توسعه از مباحثی است که در قلمرو دو دانش حقوق بین‌الملل و علم اقتصاد قرار دارد. حقوق‌دانان بین‌الملل در این باره از مساعدت اندیشمندان روابط اقتصادی بین‌المللی در شناسایی و رفع مشکلاتی که در مرز بین قانون و اقتصاد واقع می‌شوند، بهره می‌گیرند تا از این رهگذر بتوانند جوانب حقوقی تعهدات دولت‌های ثروتمند را به نفع دولت‌های فقیر بازشناسی کنند. در تحقق حق توسعه باید گفت: دانش حقوق و اقتصاد دو راه‌گوناگون برای تعقیب یک هدف‌اند.

مشکلات ناشی از تقسیم جهان به نیم کره‌ی جنوبی و نیم کره شمالی و جهان ثروتمند و جهان فقیر باعث شد که اکنون حق توسعه پیشاپیش حقوقی قرار گیرد که در سطح بین‌المللی برای تحقق آن تلاش می‌شود. کشورهای بزرگ مسئول این تقسیم نابرابرند. طبیعی بود که این تقسیم اقتصادی چارچوب حقوقی روابط اقتصادی بین‌المللی را به نفع دولت قدرتمند رقم زند. این شرایط در عصری که قدرت‌های بزرگ یکه‌تاز عرصه‌ی بین‌الملل بودند متصور بود، ولی اکنون که دوران استعمار پایان یافته و دو سوم اعضای سازمان ملل متحد را کشورهای رها شده از یوغ استعمار تشکیل می‌دهند، گاه آن است که تغییر اساسی در روابط بین‌الملل به وجود آید و قواعد حقوق بین‌الملل، کلیه‌ی کشورها را به نحو برابر پوشش دهد. حق توسعه یکی از گام‌های پیش روی حقوق بین‌الملل است.

#### بخش چهارم: حمایت بین‌المللی حقوق بشر

حقوق و آزادی‌های اساسی انسان و مورد اشاره‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، در قوانین اساسی بسیاری از کشورها وارد شده است. این بدان معناست که تعهد دولت‌ها به حقوق و آزادی‌های اساسی انسان، از دایره‌ی بین‌المللی به قلمرو داخلی نیز راه یافته

است. با این حال، حقوق بشر در قلمرو داخلی به بهانه‌های گوناگون، از قبیل امنیت ملی، مصلحت عمومی و وحدت ملی نقض می‌شود و با اعلام حالت فوق‌العاده، حمایت‌های ملی از حقوق بشر و مندرج در قوانین اساسی نادیده گرفته می‌شود. این جاست که حضور مقام بین‌المللی برای نظارت بر اجرای حقوق بشر توسط دولت‌ها، ضرورت می‌یابد.

نگارنده‌ی کتاب بخش مزبور را در چهار فصل به شرح ذیل تنظیم کرده و به جوانب گوناگون حمایت بین‌المللی از حقوق بشر پرداخته است:

- تحول تاریخی در حمایت بین‌المللی از حقوق بشر

- قواعد الزام‌آور بین‌المللی در رعایت حقوق بشر

- ابزارهای حمایت بین‌المللی از حقوق بشر

- ابزارهای حمایت از حقوق بشر در اجرا و عمل

وی در این فصول چهارگانه به مباحثی چون: ادغام قواعد بین‌المللی در حقوق داخلی، تشکیل کمیسیون‌های تخصصی، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیسیون ویژه‌ی حقوق سیاسی و مدنی، کمیسیون ویژه‌ی حقوق اقتصادی و اجتماعی، صدور قطعنامه‌های الزامی و توصیه‌ای، گزارش کمیسیون حقوق بشر از وضعیت حقوق بشر در کشورهای عضو و اعمال مجازات در قبال نقض حقوق بشر پرداخته است.

### بخش پنجم: اسلام و حقوق بشر

بخش پایانی کتاب با دو فصل تحت عناوین «منشور تأسیس دولت اسلامی در مدینه» و «مدینه‌القدس از منظر حقوق بشر اسلامی و حقوق بین‌الملل» تنظیم شده است.

در فصل اول، نخست بر اهمیت حقوق بشر در اسلام، دفاع این دین از آزادی عقیده و بیان و اندیشه و نیز برابری مردم در دولت اسلامی سخن به میان آمده و سپس پیمان‌نامه‌ی پیامبر اکرم (ص) با ساکنان مدینه به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. در این منشور، که سند تشکیل حکومت اسلامی در مدینه است، پس از تقسیم پیمان به ۴۷ بند، به مباحثی چون: وضعیت حقوقی منشور، عناصر تشکیل دهنده‌ی دولت اسلامی، قلمرو دولت اسلامی، حاکمیت و قدرت، جمعیت و ملت، برادری اسلامی، چگونگی رابطه‌ی پیامبر (ص) با یهود، دشمنان اسلام و با دیگر ملت‌ها پرداخته شده است. البته،

حقوق و آزادی‌های منظور شده در منشور مورد اشاره، مطابق با شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی حاکم بر زمان خود است. تأمین اجتماعی برای ساکنان مدینه، همبستگی در مسئولیت جنایات، حسن همسایگی، آزادی عقیده و اصل برابری مردم در برابر قانون از مواردی هستند که در منشور آمده‌اند.

فصل دوم بخش پایانی کتاب به تفصیل به وضعیت بیت‌المقدس اختصاص یافته است. نویسنده در توجیه گنجاندن این فصل در کتاب خود می‌گوید:

بی‌تردید بررسی مسئله‌ی قدس از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام و حقوق بشر از مهم‌ترین مباحثی است که معتقدیم در کتاب ما که درباره‌ی «حقوق بین‌الملل برای حقوق بشر» است، باید گنجانده شود. نویسنده در آغاز به تاریخ حضور مسلمانان در سرزمین فلسطین پرداخته و نحوه‌ی رفتار آنان را با ساکنان غیرمسلمان یادآور می‌شود؛ هم‌چنین اسناد و فرمان‌هایی را که از فرمانروایان مسلمان درباره‌ی خوش‌رفتاری با غیرمسلمانان به جای مانده، متذکر شده و آن را با رفتاری که اکنون صهیونیست‌های اشغالگر با مسلمانان دارند مقایسه می‌کند.

برای روشن شدن جوانب گوناگون وضعیت حقوقی بیت‌المقدس، سه گفتار به شرح ذیل گشوده می‌شود:

### گفتار اول: اهمیت بیت‌المقدس از منظر حقوق بین‌الملل

تعلق خاطر پیروان سه دین بزرگ آسمانی (اسلام، مسیحیت و یهود) به این شهر، بر اهمیت بین‌المللی آن افزوده است. کمتر مکانی در جهان یافت می‌شود که آثار مربوط به هر سه دین در آن وجود داشته باشد؛ به همین دلیل حاکمیت بر بیت‌المقدس همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهانی بود. زمانی این شهر در حاکمیت یهود و زمانی در حاکمیت رومیان مسیحی و زمانی هم در حاکمیت عربی و اسلامی بود و هریک از ادیان سه‌گانه در آن آثاری به یادگار گذاشته‌اند. وضعیت کنونی بیت‌المقدس از زمانی آغاز شد که سرزمین فلسطین پس از فروپاشی دولت عثمانی تحت قیمومت بریتانیا قرار گرفت. این دولت شرایط اقامت و سکونت یهودیان را در این سرزمین فراهم کرد و به تدریج یهودیان به این سرزمین رو آوردند.

## گفتار دوم: نظام حاکم بر اماکن مقدس در فلسطین و تأثیر آن بر نظم سیاسی -

### حقوقی بیت المقدس

اماکن مقدس در طول تاریخ مورد حمایت بوده‌اند و مردم برای حوایج گوناگون به این اماکن پناه می‌بردند. اماکن مقدس در حقوق داخلی و حقوق بین الملل مورد حمایت قرار گرفته و هر انسانی در اجرای آزادی عقیده‌ی خود از حقوق کامل برخوردار است. نظر به اهمیت حمایت همیشگی از این اماکن و احتمال تعرض به مصونیت آنها در زمان جنگ، بر اساس حقوق بین الملل، اماکن مقدس در حال جنگ و صلح از حمایت برخوردارند و قطعنامه‌های متعددی از سازمان ملل و دیگر سازمان‌های بین المللی در حمایت از اماکن مقدس صادر شده است.

حمایت حقوقی اماکن و مقدسات دینی به طور عام، وضعیت حقوقی اماکن مقدس در بیت المقدس و تأثیر این وضعیت بر اهمیت حقوقی بیت المقدس، سه مطلب عمده‌ای است که در ادامه به تفصیل مورد توجه نویسنده‌ی کتاب قرار گرفته است.

## گفتار سوم: سیاست‌های اسرائیل برای تغییر بیت المقدس و مسئولیت بین المللی

### این دولت

با وجود تصریحات روشن بر تأمین آزادی عقیده‌ی پیروان ادیان در قوانین اسرائیل، شاهدیم که این دولت به بهانه‌های گوناگون آزادی مزبور را نقض می‌کند و خوشبختانه موارد نقض در سطح بین المللی نیز انعکاس می‌یابد. با وجود قطعنامه‌های متعدد مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل و سازمان بین المللی کار و یونسکو علیه اسرائیل، این دولت هم‌چنان به توسعه طلبی‌های خود ادامه می‌دهد.

این مبحث با دو مطلب به شرح ذیل ادامه می‌یابد:

مطلب نخست به انواع تعرض دولت اسرائیل بر بیت المقدس می‌پردازد. تعرض به اعراب که ساکنان اصلی این سرزمین هستند و تعرض به اماکن مقدس اسلامی و مسیحی و تغییر فیزیکی آنها و سرانجام، تعرض به نظام حقوقی بیت المقدس از انواع تعرضاتی است که این رژیم مرتکب می‌شود.

مطلب دوم در پی آن است که مسئولیت بین المللی دولت اسرائیل را در اثر نقض مقررات حقوق بین الملل مطرح سازد. در حقوق بین الملل، مسئولیت بین المللی زمانی

تحقق می‌یابد که اعمال خلاف مقررات حقوق بین‌الملل صورت گیرد و در اثر آن به دیگر اشخاص حقوق بین‌الملل خسارت وارد شود و عمل خلاف نیز منتسب به مقامات دولت متخلف باشد. بر این اساس، دولت اسرائیل به اعمال خلاف مقررات حقوق بین‌الملل، هم‌چون اشغال سرزمین، نقض مقررات حقوق بشر، نادیده گرفتن رژیم حقوقی حاکم بر اماکن مقدس و دیگر موارد مندرج در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی علیه اسرائیل، مبادرت می‌کند. در اثر رفتار خلاف این دولت مردم و سازمان‌های آزادی‌بخش فلسطین خسارت‌های فراوانی متحمل می‌شوند و تردیدی نیست که مقامات این دولت غاصب خود فاعل این اعمال خلاف حقوق بین‌الملل هستند و قطعنامه‌های بی‌شمار مجامع بین‌المللی شاهد این مدعاست.

نویسنده در خاتمه‌ی این بخش بر آن است که چون بیت المقدس برای همه‌ی ادیان دارای اهمیت است، وضعیت این شهر، بحث «حقوق دینی بیت المقدس» را به میان می‌آورد. آزادی بیان، آزادی انجام مراسم دینی برای پیروان همه‌ی ادیان، حمایت از اماکن مقدس و آزادی دسترسی به این اماکن، از اصول اساسی این حقوق به شمار می‌آیند.

### یادآوری

- آنچه آمده است تلخیص مطالب عمده‌ی مندرج در کتاب بوده است.
- با آن‌که در کتاب مواردی برای نقد و تأمل وجود داشت، اما به منظور رعایت اختصار و هدف مقاله از ورود به آن خودداری شده است.
- درگزینه‌ی مطالب کتاب و بیان مقصود نگارنده از ترجمه‌ی آزاد استفاده شد و به هدف روان‌شدن متن، با توجه به مجموعه‌ی مطالب، اضافاتی بر آن افزوده شد.